

طرح اجمالی برنامهٔ حزب کمونیست روسیه

* نویسنده: و.ا. لنین
* ترجمه حسن پویان
* انتشارات علم: خیابان انقلاب، خیابان فروردین، تهران – ایران
* چاپ اول: بهار پنجاه و نه

* تکثیر از: حجت برزگر
* تاریخ تکثیر: ۱۳۸۱/۰۵/۰۱ (۲۳/۰۷/۲۰۰۲ میلادی)
* آدرس تماس با شبکه نسیم (اتحادیه مارکسیستها) از طریق پست الکترونیکی:
nasim@tele2.se

فهرست

صفحه	عنوان
۳	۱- طرح اجمالی برنامه حزب کمونیست روسیه
۷	۲- وظایف اساسی دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه
۸	۳- در قلمرو سیاسی
۱۴	۴- در قلمرو اقتصادی
۱۷	۵- در قلمرو کشاورزی
۱۹	۶- ضمیمه ای برای بخش سیاسی برنامه
۱۹	۷- تکه ای از بخش سیاسی برنامه
۲۰	۸- بخشی از برنامه درباره مناسبات ملی
۲۱	۹- ضمیمه برای طرح نهایی برنامه، بخش مربوط به مسئله ملی
۲۱	۱۰- مقدمه برای بخش نظامی برنامه
۲۲	۱۱- اولین پاراگراف از بخش مربوط به دادگاه ها در برنامه
۲۲	۱۲- بخشی از برنامه که به تعلیمات عمومی مربوط می شود
۲۳	۱۳- بخشی از برنامه که به مذهب مربوط می شود

طرح اجمالی برنامه حزب کمونیست روسیه

زمینه: برنامه باید در بر گیرنده بخش های زیر باشد:

۱- مقدمات. انقلاب پرولتاری در روسیه آغاز شده و سرعت از هر سو در حال گسترش است. برای درک انقلاب لازم است ماهیت سرمایه داری و اجتناب ناپذیری بسط یافتن آن در جهت دیکتاتوری پرولتاریا درک شود. ۲- سرمایه داری و دیکتاتوری پرولتاریا. در این نکته بخش اصلی برنامه مارکسیستی سابق ما که بوسیله «پلخانوف» طراحی شده است تکرار میشود، تا در عین حال «ریشه های تاریخی» جهان بینی ما را توضیح دهد. ۳- امپریالیسم. این مقوله را باید از طرح برنامه «مه» ۱۹۱۷ ما استخراج کرد ۴- سه گرایش در جنبش جهانی طبقه کارگر و بین الملل جدید. تجدید نظر در طرح «مه» ۱۹۱۷. ۵- وظایف بنیانی دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه. این مطلب را باید از طرح دسامبر ۱۹۱۷ - ژانویه ۱۹۱۸ استخراج نمود. ۶- این وظایف در قلمرو سیاسی باید به نحوی مشخص (کنکرت) فرمول بندی شود (جدید). ۷- ایضاً در قلمروهای ملی، مذهبی، آموزشی (جدید) ۸- ایضاً در قلمرو اقتصادی (جدید) ۹- ایضاً در قلمرو کشاورزی (جدید) ۱۰- ایضاً در مورد حمایت از زحمتکشان (که قرار است بوسیله «اشمیت» (Schmidt) به رشته تحریر در آید). ۱۱ و ۱۲- همینطور مسائل دیگری (که هنوز نوشته نشده) و باید علاوه شوند.

در طرح اجمالی حاضر بسیاری از مباحث به ویژه از نظر اصلاح و پیرایش ناتمام است، و در پاره ای موارد - بجای سیاق بندیهای برنامه ای موقتاً، تفسیرهای آمده است.

(۱) - انقلاب ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) ۱۹۱۷ دیکتاتوری پرولتاریا را که با حمایت دهقانان فقیر یا نیمه پرولتاریا برای بنا کردن جامعه ای سوسیالیستی آغاز شده، در روسیه مستقر ساخت. رشد جنبش انقلابی پرولتاریا در همه کشورهای پیشرفته، ظهور و رشد عمومی شکل شورایی این جنبش، یعنی شکلی که هدفش مستقیماً استقرار دیکتاتوری پرولتاریا است، و بالاخره شروع و پیشرفت انقلاب در امپراطوری اطریش - مجارستان، و خصوصاً در آلمان، همه میروند تا بطور زنده ای نشان دهند که عصر انقلاب جهانی پرولتاریایی و کمونیستی آغاز شده است.

(۲) - علل، اهمیت، و هدفهای این انقلاب را اینگونه میتوان بطور صحیح درک کرد: نخست با روشن ساختن ماهیت حقیقی و خصلت اساسی سرمایه داری و جامعه بورژوائی، و اجتناب ناپذیری انکشاف آنها در جهت کمونیسم، و ثانیاً با روشن کردن ماهیت امپریالیسم و جنگهای امپریالیستی، که فرو پاشیدن سرمایه داری را تسریع کرده و انقلاب پرولتاریایی را در دستور روز قرار داده است.

* * *

(۳) ماهیت سرمایه داری و جامعه بورژوازی که هنوز بر بیشتر کشورهای متمدن چیرگی دارد و توسعه آن به وجهی اجتناب ناپذیر به انقلاب کمونیستی عالمگیر پرولتاریا منجر میشود و از مدتی پیش به اینطرف در کار منجر شدن بدان است در برنامه مارکسیستی پیشین ما بشرح زیر وصف شده است.

۴- ویژگی عمده چنین جامعه ای عبارت از تولید کالائی بر اساس روابط تولیدی سرمایه داری است که تحت آن مهمترین و بزرگترین بخش از وسایل تولید و مبادله کالاها متعلق به طبقه قلیل العده ای از اشخاص است، در حالیکه اکثریت وسیع جمعیت از پرولترها و نیمه پرولترهایی تشکیل شده که بدلیل موضع اقتصادی خویش مجبورند برای همیشه یا دوره های معین نیروی کارشان را به فروش برسانند، یعنی خود را به سرمایه داران اجاره دهند و با رنج و کار خویش برای طبقات بالای جامعه تولید درآمد کنند.

(۵) - عروج و تعالی روابط تولیدی سرمایه داری قلمرو خود را بیش از پیش با تکامل مداوم تکنولوژی توسعه می بخشد، یعنی با افزایش اهمیت اقتصادی مؤسسات بزرگ گرایش به از میان برداشتن تولید کنندگان کوچک مستقل دارد، برخی از اینان را به پرولترها مبدل میسازد و نقش دیگران را در عرصه اجتماعی و اقتصادی محدود میکند، و در پاره ای مکانها آنان را کم و بیش بطور کامل، کم و بیش آشکارا و کم و بیش به شیوه ای دردآور به سرمایه وابسته می کند.

(۶) - بعلاوه، این پیشرفت فنی، کارفرمایان را قادر میسازد تا در پروسه تولید و مبادله کالاها، استفاده ای روزافزون از نیروی کار زنان و کودکان بعمل آورند. و از آنجا که از سوی دیگر همین امر اسباب کاهش نسبی را در نیاز کارفرمایان به نیروی کار انسانی فراهم میآورد، ضرورتاً تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن عقب میماند، و در نتیجه آن وابستگی نیروی کار مزدوری به سرمایه افزایش مییابد و استثمار کار به سطح بالاتری صعود میکند.

(۷) - وجود این اوضاع در ممالک بورژوازی، و رشد فزاینده رقابتی که میان آنها در بازارهای جهانی جریان دارد فروش کالاهایی را که در مقادیر دایم التزاید تولید میشوند برایشان - بیش از پیش دشوار میکند. تولید اضافی که خود را بصورت بحرانهای صنعتی کم و بیش سخت و متعاقب آن دوره های کم و بیش طولانی رکود صنعتی نمایان میکند، نتیجه احتراز ناپذیر توسعه نیروهای تولیدی در جامعه بورژوازی است. بحرانها و دوره های رکود صنعتی، به نوبه خود باز هم ورشکستگی تولید کنندگان خرده پا را فزونی می بخشد، بیش از پیش باعث افزایش وابستگی کارمزدوری به سرمایه میشوند، و با سرعتی باز هم بیشتر به وخامت نسبی، و گاه مطلق شرایط زندگی طبقه کارگر منتهی میگردند.

(۸) - بنابراین پیشرفت و بهبود تکنولوژی، به مفهوم ظرفیت تولیدی افزوده نیروی کار و ثروت وافرتر اجتماعی در جامعه بورژوائی تبدیل به علت نابرابری بزرگتر اجتماعی، عمیقتر کردن شکاف های میان ثروتمند و فقیر، فقدان بیشتر امنیت، بیکاری، و دشواریهای گوناگون برای انبوه توده های زحمتکش میگردد.

(۹) - بهرحال، متناسب با رشد و توسعه همه این تضادها که ذاتی جامعه بورژوائی است، نارضایی توده های زحمتکش و استثمار شده، از نظم موجود نیز رشد میکند، قدرت کمی و همبستگی پرولترها افزایش مییابد، و نبردشان بر ضد استثمار کنندگان آنها تیزتر و پرتوان تر میشود. در عین حال با تمرکز یافتن وسایل تولید و مبادله، و اجتماعی شدن پروسه کار در بنگاههای سرمایه داری، پیشرفت تکنولوژی بیش از پیش با سرعتی روزافزون امکان مادی جایگزین شدن مناسبات کمونیستی به جای روابط تولیدی سرمایه داری یعنی، امکان متحقق ساختن انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی همه فعالیتهای حزب کمونیست بین المللی بعنوان نماینده آگاه جنبش طبقاتی پرولتاریاست، فراهم میآورد.

(۱۰) - «با ارائه دادن مالکیت اجتماعی وسایل تولید و مبادله بجای مالکیت خصوصی، و با ارائه سازمان برنامه ریزی شده تولید اجتماعی برای تضمین بهروزی و رشد همه جانبه تمام افراد جامعه، انقلاب اجتماعی پرولتاریا، تقسیم جامعه به طبقات را از میان بر می دارد و از این رهگذر تمام بشریت تحت ستم را به رهایی خواهد رساند؛ زیرا به تمام اشکال بهره کشی یک بخش از جامعه بوسیله بخش دیگر پایان خواهد بخشید».

(۱۱) - «یک شرط ضروری برای این انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا است، یعنی تسخیر چنان قدرت سیاسی ای که او را قادر خواهد ساخت تا هر مقاومتی از سوی استثمارگران را سرکوب کند. به منظور توانایی بخشیدن پرولتاریا برای متحقق ساختن رسالت تاریخی بزرگ خویش، حزب کمونیست بین المللی، پرولتاریا را در حزب سیاسی مستقلی که رودرروی تمام احزاب بورژوائی باشد سازمان میدهد، تمام تجلیات مبارزه طبقاتی او را رهبری میکند، برای او از تضاد آشتی ناپذیری که بین منافع استثمار کنندگان و استثمار شوندهگان موجود است پرده بر میدارد، و برای پرولتاریا اهمیت تاریخی و شرایط ضروری انقلاب اجتماعی آینده را توضیح میدهد. در عین حال این حزب نومید کننده بودن وضعیت دیگر توده های زحمتکش و تحت استثمار را در جامعه سرمایه داری و نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی خویش از یوغ سرمایه برملا میسازد. حزب کمونیست، حزب طبقه کارگر، تمامی بخش های کارگر و استثمار شونده جمعیت را که قادر به پذیرش نقطه نظر پرولتاریایی باشند دعوت میکند که به صفوف آن ملحق شوند».

* * *

(۱۲) - سرمایه داری جهانی در زمان حاضر، یعنی، در حدود اوایل قرن بیستم، به مرحله امپریالیسم رسیده است. امپریالیسم، یا دوران سرمایه مالی مرحله ای عالی از توسعه سیستم اقتصادی سرمایه داری است، مرحله ای که در آن مجتمعات انحصاری سرمایه داران - سندیکاها، کارتل ها و تراست ها - اهمیتی تعیین کننده کسب کرده اند، مرحله ای که در آن سرمایه بانکی وسیعاً متمرکز با سرمایه صنعتی ادغام شده است، مرحله ای که در آن صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعادی وسیع یافته است، مرحله ای که در آن سراسر دنیا بصورت قلمروهای ممالک ثروتمندتر تقسیم گردیده و غارت اقتصادی عالم میان تراستهای بین المللی آغاز شده است.

(۱۳) - جنگهای امپریالیستی، یعنی جنگهایی که بخاطر استیلا یافتن بر جهان، برای تحصیل بازارها جهت سرمایه بانکی و به قصد انقیاد ملتهای کوچک و ضعیف تر برپا میشوند تحت چنین اوضاعی اجتناب ناپذیرند. نخستین جنگ بزرگ امپریالیستی - جنگ ۱۸-۱۹۱۴ دقیقاً چنین جنگی است.

(۱۴) - سطح بغایت بالای توسعه ای که سرمایه داری جهانی بطور کلی بدان رسیده، جایگزین شدن سرمایه داری انحصاری به جای رقابت آزاد، این واقعیت که بانکها و تجمعات سرمایه داری ماشین مورد نیاز جهت تنظیم اجتماعی پروسه تولید و توزیع محصولات را فراهم آورده اند، ترقی هزینه زندگی و ستم فزاینده ای که سندیکاها (سرمایه داری م.) در نتیجه رشد انحصارات سرمایه داری بر طبقه کارگر روا میدارند، موانع معتناهایی که در راه نبرد اقتصادی و سیاسی پرولتاریا قرار گرفته اند، مصائب و دلهره ها، فقر، ویرانی و شیوع بیرحمی هایی که از جنگ امپریالیستی ناشی شده - همه این عوامل مرحله کنونی توسعه سرمایه داری را به عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا مبدل میسازند.

این عصر طلوع کرده است.

(۱۵) - تنها یک انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی میتواند بشریت را به خروج از بن بستی که امپریالیسم و جنگهای امپریالیستی ایجاد کرده اند رهبری کند. صرف نظر از دشواریهایی که انقلاب ممکن است ناگزیر از مواجهه با آنها باشد، و صرف نظر از عقب نشینی های موقتی ممکن یا امواج ضد انقلاب که میتواند در سر راه آن قرار بگیرد، پیروزی نهایی پرولتاریا اجتناب ناپذیر است.

* * *

(۱۶) - پیروزی انقلاب پرولتاریائی نیازمند اعتماد کامل، نزدیکترین وحدت برادرانه و بزرگترین وحدت عمل انقلابی ممکن از جانب طبقه کارگر تمام کشورهای پیشرفته است.

این شرایط را بدون گسستنی قاطعانه و اصولی با آن موارد از انحرافات بورژوازی از سوسیالیسم که در سطوح بالای اکثریت وسیع احزاب رسمی «سوسیال دموکرات» و «سوسیالیست» چیرگی یافته است و بدون نبردی خستگی ناپذیر برضد آن نمیتوان ایجاد کرد.

(۱۷) - یک چنین انحرافی از یک طرف گرایش به فرصت طلبی و سوسیال شوینیسم، سوسیالیسم در حرف اما شوینیسم در عمل، پنهان کردن دفاع از منافع غارتگرانه بورژوازی ملی خودی در پس شعار «دفاع از سرزمین مادری» بطور عام و هم بطور خاص در طول جنگ امپریالیستی ۱۸-۱۹۱۴ است. این گرایش بدان سبب بوجود آمده که تقریباً در همه کشورهای پیشرفته، بورژوازی با چپاول ملل مستعمره و ضعیف توانسته است به قشر بالای پرولتاریا با پرتاب کردن لقمه های ناچیز از سودهای سرشار خود رشوه دهد تا برای اینان در زمان صلح زندگی و معاشی قابل تحمل و خرده بورژوازی را تضمین کند و سرمایه داران آن قشر را به خدمت خود در آورد. اپورتونیستها و سوسیال - شوینیستها که نوکران بورژوازی بشمار میروند، دشمنان طبقاتی حقیقی پرولتاریا هستند.

(۱۸) - یک انحراف بورژوازی دیگر از سوسیالیسم - از طرف دیگر - گرایش «سانتریستی» است که به همان اندازه وسیع و بین المللی است، بین سوسیال شوینیستها و کمونیستها در نوسان است، وحدت با اولی را موعظه می کند در همان حال برای احیاء بین الملل ورشکسته و پوسیده دوم تلاش میکند. تنها بین الملل واقعاً پرولتاریایی و انقلابی، بین الملل جدید، «سومین انترناسیونال کمونیستی» است که اینک با تشکل احزاب سوسیالیست سابق برخی از کشورها، به ویژه آلمان، بنیان گذاری شده و همبستگی روزافزون توده های پرولتاریا را در تمام کشورها بدست می آورد.

* * *

وظایف اساسی دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه

در روسیه امروز وظایف اساسی دیکتاتوری پرولتاریا، تا به آخر دنبال کردن و کامل ساختن مصادره اراضی و ثروتهای ملاکین زمیندار و بورژوازی است که قبلاً آغاز شده، و انتقال تمام کارخانه ها، راه های آهن، بانکها، کشتی های تجاری وسایل تولید و مبادله به مالکیت جمهوری شوروی است.

این وظایف همچنین عبارت از بکار گرفتن اتحاد کارگران شهری و دهقانان فقیر است که تاکنون به لغو مالکیت شخصی زمین، و به تصویب قانون ناظر بر شکل انتقالی میان کشت و زرع خرده

مالکی و سوسیالیستی منجر شده، چیزی که صاحب نظران متجدد ایدئولوژی دهقانی که خود را در کنار پرولتاریا قرار داده اند آن را سوسیالیستی کردن زمین نامیده و آن را برای انتقالی تدریجی اما مداوم در جهت کشت و زرع مشترک و کشاورزی دامنه دار سوسیالیستی ضروری دانسته اند.

تحکیم و توسعه هر چه بیشتر جمهوری فدراتیو شوراها بعنوان شکلی از دموکراسی که به وجهی قیاس ناپذیر والاتر و مترقی تر از پارلمانتاریسم بورژوایی است، و به عنوان تنها نوع حکومتی که بر مبنای تجربه «کمون ۱۸۷۱ پاریس» - و بهمان اندازه تجربه انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۸-۱۹۱۷ روسیه - با مرحله انتقالی میان سرمایه داری و سوسیالیسم، یعنی مرحله دیکتاتوری پرولتاریا تناسب و سازگاری دارد؛ قسمتی دیگر از وظایف یاد شده را تشکیل میدهد.

با به کار گرفتن همه جانبه مشعل انقلاب عالمیگر سوسیالیستی که در روسیه افروخته شده و برای فلج کردن تمهیدات حکومت‌های امپریالیست بورژوایی که هدفشان مداخله در امور داخلی روسیه یا متحد شدن بخاطر نبرد مستقیم و جنگ برضد جمهوری سوسیالیستی شوروی است، کشاندن دامنه انقلاب به درون پیشرفته ترین کشورها و بطور عام به داخل تمام ممالک، بخش های دیگری از همان وظایف را تشکیل میدهند. این وظایف را باید بوسیله تعدادی از تدابیر تدریجی اما انحراف ناپذیر به منظور لغو کامل تجارت خصوصی و سازمان دادن مبادله منظم مطابق با برنامه محصولات تولید شده بین کمون های تولید کنندگان انجام داد و از این راه جامعیت اقتصادی واحد جمهوری شوروی را از قوه به فعل درآورد.

حزب کمونیست روسیه ضمن بسط دادن وظایف عام حکومت شوروی در جزئیات گسترده تر، عجالتاً وظایف یادشده را بشرح زیر جمع بندی میکند.

در قلمرو سیاسی

تا پیش از قبضه شدن قدرت سیاسی بوسیله پرولتاریا (جبری) ضروری بود که دموکراسی بورژوایی، به ویژه پارلمانتاریسم برای آموزش سیاسی و متشکل ساختن توده های کارگران مورد استفاده قرار گیرد. اکنون که پرولتاریا قدرت سیاسی را به چنگ آورده و نوع والاتری از دموکراسی در جمهوری شوروی تحقق پیدا میکند، هر قدمی که به فقرا و در جهت پارلمانتاریسم بورژوایی و دموکراسی بورژوایی برداشته شود بدون تردید خدمتی ارتجاعی به منافع استثمارگران، ملاکین و سرمایه داران خواهد بود. سخنان واهی از قبیل دموکراسی مردمی، ملی، همگانی، مافوق طبقاتی اما عملاً بورژوایی تنها به منافع استثمارگران خدمت می کند و تا هنگامیکه زمین و وسایل تولید در قبضه مالکیت خصوصی قرار دارند دموکراتیک ترین جمهوری باید به نحوی اجتناب

ناپذیر یک دیکتاتوری بورژوایی، و ماشینی برای سرکوبی اکثریت قریب به اتفاق مردم زحمتکش بوسیلهٔ مشتی از سرمایه داران باقی بماند.

وظیفه تاریخی که به جمهوری شوروی - یعنی نوع جدیدی از حکومت که تا زوال کامل دولت جنبهٔ انتقالی دارد - قرار گرفته، بشرح زیر است.

(۱) - ایجاد و توسعهٔ سازمانهای توده ای همه جانبهٔ دقیقاً متعلق به آن طبقات که تحت ستم سرمایه داری قرار دارند، یعنی پرولتاریا و نیمه پرولتاریا. یک جمهوری بورژوا دموکراتیک حداکثر کاری که میکند آن است که به توده های استثمار شونده اجازهٔ متشکل شدن را با اعلام آزادی آنان برای تشکل یافتن اعطا می نماید، در حالیکه عملاً همواره موانع بی شمار در راه سازمان یافتن آنها قرار داده است، موانعی که با مالکیت خصوصی وسایل تولید طوری پیوند دارند که جدایشان از یکدیگر غیرممکن است. برای نخستین بار در تاریخ قدرت شورایی نه فقط تشکل توده هایی را که تحت سرمایه داری قرار داشتند عظیماً تسهیل کرده، بلکه آن تشکل را بصورت اساس ضروری و پابرجای تمامی دستگاه حکومت، اعم از محلی و مرکزی، و از صدر تا ذیل در آورده است. تنها از این طریق ممکن است دموکراسی را برای اکثریت بزرگ (مردم زحمتکش) تضمین کرد، یعنی مشارکت عملی در ادارهٔ کشور را برایشان جامعهٔ عمل پوشاند. این، برخلاف ادارهٔ امور مملکت بوسیلهٔ کسانی است که بطور عمده از اعضای طبقات بورژوازی تشکیل می شوند و نمونه اش مواردی است که در اغلب جمهوریهای دموکراتیک بورژوایی وجود دارد.

(۲) - نظام «شورایی» ادارهٔ کشور، به آن بخش از مردم زحمتکش که تمام توسعهٔ سرمایه داری ماقبل سوسیالیسم آنان را بصورت تمرکز یافته ترین، یکپارچه ترین، پرآموزش ترین و آب دیده ترین فولادها در مبارزه، درآورده، یعنی پرولتاریای شهرنشین صنعتی، امتیازی معین و واقعی می بخشد. این امتیاز باید به شیوه ای سیستماتیک و انحراف ناپذیر برای خنثی کردن منافع تنگ نظرانه صنفی و حرفه ای که سرمایه داری در بین کارگران ترویج کرده و آنان را به گروه های رقیب یکدیگر تقسیم نموده است، مورد استفاده قرار گیرد. این کار باید از طریق متحد ساختن هر چه نزدیکتر عقب مانده ترین و نامتحدترین توده های پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستایی با کارگران پیشرفته، با بیرون کشیدن آنها از زیر نفوذ کولاک های ده و بورژوازی روستایی، و متشکل ساختن و آموزش دادنشان برای رشد کمونیستی انجام گیرد.

(۳) - دموکراسی بورژوایی که برابری همهٔ اتباع کشور را با آب و تاب تمام اعلام میکرد، در واقعیت امر به شیوه ای سفسطه گرانه حاکمیت استثمارگران سرمایه دار را پنهان میساخت و توده ها را با این فکر که گویا برابری استثمارگران و استثمار شوندهگان امکان پذیر است، فریب میداد. سازمان شورایی حکومت، این فریب و این سفسطه را با تحقق بخشیدن به دموکراسی حقیقی، یعنی

برابری واقعی همهٔ مردم زحمتکش و با حذف استثمارگران از مقولهٔ اعضاء جامعه (و برخوردار از حقوق کامل) درهم می‌شکند. تجربهٔ تاریخ جهان، و تجربهٔ تمام قیام‌های طبقات استثمار شده بر ضد استثمار کنندگان آنها، اجتناب ناپذیری مقاومت مذبحخانه و طولانی استثمارگران را در مبارزه‌شان بخاطر حفظ امتیازات خویش نشان می‌دهد. سازمان حکومت شورایی برای سرکوبی آن مقاومت سازگاری دارد چه هرگاه چنان مقاومتی سرکوب نگردد هرگز نمیتواند مسئله‌ای بنام یک انقلاب پیروزمند کمونیستی وجود داشته باشد.

(۴) نفوذ مستقیم تر توده‌های زحمتکشان در ساختمان حکومت و ادارهٔ کشور، یعنی شکل عالیتری از دموکراسی نیز به نوبهٔ خود تحت حکومت نوع شوروی - نخست بوسیلهٔ جریان انتخاباتی و امکان پذیری برگزار کردن مکررتر انتخابات، و همچنین بوسیلهٔ شرایطی که برای تجدید انتخاب و برای فراخواندن نمایندگان وجود دارد و در مقایسه با بهترین شکل‌های دموکراسی بورژوایی - برای کارگران شهری و روستایی ساده‌تر و قابل فهم‌تر است.

(۵) - ثانیاً این امر با تبدیل واحد اقتصادی و صنعتی (کارخانه) - و نه یک تقسیم بندی منطقه‌ای - بصورت واحد اولیهٔ انتخاباتی و هسته ساختمان حکومت در شرایط حاکمیت قدرت شورایی - تحقق پیدا میکند. این تماس نزدیکتر بین دستگاه دولت و توده‌های پرولتاریای پیشرفته‌ای که سرمایه‌داری متحدشان کرده، علاوه بر متحقق ساختن سطح عالیتری از دموکراسی، در عین حال اجرای اصلاحات عمیق سوسیالیستی را نیز امکان پذیر میکند.

(۶) - سازمان شورایی، ایجاد نیروهای مسلح کارگران و دهقانان را که بمراتب بیشتر از گذشته با مردم زحمتکش و استثمار شده پیوند دارد امکان پذیر ساخته است. اگر این کار صورت نمی‌گرفت، حصول یکی از شرایط اساسی برای پیروزی سوسیالیسم که عبارت از مسلح کردن کارگران و خلع سلاح بورژوازی باشد، غیر ممکن می‌گردید.

(۷) - سازمان شوراها آن جنبه از دموکراسی بورژوایی را که از نظر تاریخی نمایانگر بزرگترین خصیصهٔ مترقی آن در قیاس با قرون وسطی به شمار می‌رود، به وجهی غیر قابل مقایسه تا ابعاد دورتر و ژرف‌تر بسط داده و این جنبه عبارت از انتخاب افراد برای تصدی مقامات رسمی است. در هیچیک از دموکراتیک‌ترین حکومت‌های بورژوائی سابقه ندارد که توده‌های کارگران بتوانند هرگز از حقوق انتخاباتی که رسماً بوسیله بورژوازی به آنان اعطا شده (همان بورژوازی‌ای که در عمل برخورداریشان را از آن حقوق دچار اشکال میکند) - حتی الامکان گسترده‌تر، مکررتر - همگانی‌تر، آسان‌تر و ساده‌تر از آنچه که تحت قدرت شوروی از آن برخوردارند - بهره‌مند شوند. قدرت شورایی در عین حال آن جنبه‌های منفی دموکراسی بورژوایی را که «کمون پاریس» آغاز به لغوشان کرد، یعنی پارلمانتاریسم، یا تفکیک قوای مقننه و اجرائیه را که ماهیت تنگ‌نظرانه و

محدودش از آن زمان تاکنون مدتهاست بوسیله مارکسیست‌ها خاطرنشان گردیده - به دور افکنده است. شوراها بوسیله ادغام دو جنبه حکومت، دستگاه دولت را به مردم زحمتکش نزدیکتر ساخته و حصار پارلمان بورژوازی را که سبب تحمیق و گمراهی توده‌ها شده و بوسیله ظواهر سفسطه آمیز فریبنده و پنهان داشتن معاملات مالی و بورس بازی سوداگران پارلمانی، آنان را اغوا کرده بود و تخطی ناپذیری دستگاه بورژوازی اداره امور دولت را تضمین میکرد، از میان بر می‌دارد.

(۸) - تنها سازمان شورایی دولت است که به انقلاب پرولتاریایی توان درهم شکستن دستگاه قدیمی دولت بورژوازی را بیک ضربت، و نابود کردن آن را تا اساسی‌ترین بنیان‌هایش عطا کرده است. در صورتیکه این امر انجام نمیگرفت هیچ آغازی برای توسعه سوسیالیستی نمی‌توانست امکان پذیر باشد. آن دسته از استحکامات دیوانسالاری که در همه جا چه در رژیم‌های سلطنتی و چه در اغلب جمهوریهای دمکراتیک بورژوازی همواره دولت را متصل با منافع ملاکین زمیندار و سرمایه داران نگهداشته، در روسیه امروز درهم شکسته اند. با اینحال نبرد بر ضد دیوانسالاری مطمئناً هنوز در کشور ما پایان نیافته است.

دیوانسالاری در تلاش است تا پاره‌ای از مواضعش را باز یابد و در این راه از سطح فرهنگی نازل توده‌های مردم از یک سو، و از سوی دیگر از تلاشهای جنگی عظیم و تقریباً مافوق انسانی پیشرفته‌ترین بخش کارگران شهری بهره برداری میکند. بنابراین مداومت نبرد بر ضد دیوانسالاری، مطلقاً ضروری و الزامی است تا پیروزی توسعه سوسیالیستی آینده تضمین گردد.

(۹) - کار در زمینه‌ای که گفتیم از نزدیک با تحقق یافتن هدف تاریخی اصلی قدرت شوروی، یعنی پیشروی بسوی انحلال نهایی دولت پیوند نزدیکی دارد، و لازم است در بر گیرنده مراتب زیر باشد. نخست هر عضوی از یک شورا باید بدون استثنا و مضایقه تصدی شغل معینی را در اداره امور دولت برعهده بگیرد، ثانیاً این مشاغل باید به شیوه‌ای همه جانبه تعویض و تبدیل شوند تا تمام جنبه‌های حکومت و همه شاخه‌های آن را در بر گیرند، و ثالثاً مردمی که کار می‌کنند همگی باید عملاً به حیطة مشارکت مستقل در اداره امور دولت کشانده شوند، و حصول این مقصود بوسیله سلسله‌ای از اقدامات تدریجی که بدقت انتخاب و به شیوه‌ای قاطع اجرا میشوند، تحقق پیدا کند.

(۱۰) - تفاوت میان دمکراسی و پارلمانتاریسم بورژوازی از یک سو، و دمکراسی شورایی یا پرولتاریایی از سوی دیگر به نحوی بسیار گسترده به ترتیب زیر کاملاً برجسته می‌شود: مرکز ثقل دموکراسی نوع اول در اعلامیه‌های آمرانه و پرطمطراقی قرار دارد که در باره آزادیها و حقوق متعددی که اکثریت مردم، یعنی کارگران و دهقانان قادر به برخورداری کامل از آنها نیستند صادر شده است. برعکس، دمکراسی پرولتاریایی یا شورایی، مرکز ثقل را از اعلام حقوق و آزادیهای قابل

شمول برای جمیع مردم. به مشارکت عملی تنها و تنها زحمتکشان انتقال میدهد، تا در اداره امور کشور، در استفاده عملی از بهترین بناها و اماکن دیگر جهت برپا داشتن اجتماعات و کنگره ها، در بکار گرفتن بهترین چاپخانه ها و بزرگترین انبارهای کاغذ برای تعلیم و پرورش کسانی که تحت سلطه سرمایه داری تحقیر شده و زیردست نگهداشته شده اند، و برای ایجاد فرصتی حقیقی (واقعی) جهت آن توده ها تا بتوانند تدریجاً خود را از زیر بار بیدادگریهای مذهبی و غیره و غیره رها کنند. قدرت شوراها مهمترین کار خود را دقیقاً در تأمین و فراهم ساختن واقعی مواهب فرهنگ، تمدن و دموکراسی برای زحمتکشان و استثمار شدگان می بیند، کاری که موظف است آن را به نحوی انحراف نپذیرد در آینده ادامه دهد.

سیاست حزب کمونیست روسیه در مورد مسئله ملی برخلاف اعلام بورژوا دموکراتیک برابری ملتها - که نمیتواند تحت سلطه امپریالیسم تحقق یابد - عبارت از این است که به شیوه ای استوار پرولترها و توده های زحمتکشان تمام ملل را در نبرد انقلابی آنان بخاطر سرنگونی بورژوازی بهم نزدیک و آنها را در یکدیگر ادغام کند. بین مردم زحمتکش ملتھائی که وارد امپراطوری روسیه شدند بدگمانی از «روسهای بزرگ» که از دوران تزاری و بورژوازی امپریالیسم بزرگ روس به ارث رسیده، تحت تأثیر آشنایی آنان با «روسیه شورایی» بسرعت در حال زایل شدن است، ولی این بدگمانی هنوز بطور کامل در بین تمام ملیتها و تمام بخش های مردم زحمتکش از بین نرفته است. بنابراین لازم است دقت و احتیاط مخصوص در قبال احساسات ملی مراعات شود و تداوم یک سیاست برابری و آزادی واقعی تضمین گردد تا بتوان زمینه های بدگمانی مورد اشاره را از میان برداشت و حصول اتحاد داوطلبانه جمهوریهای شورایی تمام ملیتها را از قوه به فعل درآورد. کمک به ملتھای عقب مانده و ضعیف را باید با مدد رساندن به تشکل مستقل و آموزش کارگران و دهقانان همه ملتھا در نبرد برضد ستم قرون وسطایی و بورژوازی و همچنین از راه یاری به رشد زبان و ادبیات مللی که تحت اختناق و ستم بوده و یا محروم نگهداشته شده اند، افزایش بخشید.

در مورد سیاست مربوط به مذهب وظیفه (حزب کمونیست روسیه) و دیکتاتوری پرولتاریا نباید صدور فتوای تفکیک کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا، یعنی تدابیر وعده داده شده از طرف دموکراتهای بورژوا - که معذالک بدلیل پیوندهای فراوان و گوناگون موجود میان سرمایه و تبلیغات مذهبی، هرگز بطور کامل در هیچ جای دنیا جامه عمل نپوشیده اند - محدود شود. دیکتاتوری پرولتاریا باید پیوند میان طبقات استثمارگر - یعنی ملاکین زمیندار و سرمایه داران - و سازمان تبلیغات مذهبی را به آن صورتی که توده ها را در جهل نگه می داشت، نابود کند.

دیکتاتوری پرولتاریا باید پیگیرانه رهایی حقیقی مردم زحمتکش از بند بیدادهای مذهبی را به انجام رساند، و این مهم را بوسیله تبلیغ و از راه بالا بردن آگاهی سیاسی توده ها انجام دهد ولی

بدقت از هر آنچه که ممکن است احساسات بخش مذهبی مردم را جریحه دار کند و به افزایش تعصب و خرافات دینی خدمت نماید، اجتناب ورزد.

در قلمرو آموزش همگانی هدف حزب کمونیست روسیه کامل کردن کاری است که با انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ برای تبدیل مدرسه از صورت یک افزار فرمانروایی طبقاتی بورژوازی به ابزاری برای برانداختن آن فرمانروایی و لغو کامل تقسیم جامعه به طبقات آغاز شده است. در دوران «دیکتاتوری پرولتاریا» یعنی دوره ای که در طی آن شرایط برای تحقق کامل کمونیسم فراهم و آماده میشوند، مدرسه باید وسیله محرکی باشد که نه صرفاً برای اصول کلی کمونیسم، بلکه در عین حال برای القاء نفوذ ایدئولوژیکی، سازمانی و آموزشی پرولتاریا بر بخش های نیمه پرولتاریایی و غیر پرولتری مردم زحمتکش نیز مورد استفاده قرار گیرد تا بتوان نسلی را که کاملاً قادر به بنا کردن کمونیسم باشد پرورش داد، وظایف فوری در این زمینه برای زمان حاضر، به شرح زیر است.

- ۱- به اجرا گذاشتن تعلیمات رایگان، اجباری، همگانی، وپلی تکنیکی (آشنایی با تمام شعب مهم تولید در تئوری و در عمل) برای تمام اطفال پسر و دختر تا سن ۱۶ سالگی.
 - ۲- برقرار کردن نزدیکترین پیوند بین آموزش درسی و نیروی کار مولد اجتماعی.
 - ۳- تأمین خوراک، پوشاک، کتب و سایر وسایل تحصیلی برای تمام کودکان مدارس به هزینه دولت.
 - ۴- بوجود آوردن جنب و جوش و تبلیغات بیشتر بین آموزگاران مدارس.
 - ۵- تربیت کادر آموزشی جدیدی که از آرمانهای کمونیستی سرشار باشد.
 - ۶- مردم زحمتکش باید به مشارکت فعال در کار آموزش کشانده شوند (توسعه شوراهای آموزشی همگانی، بسیج افراد تحصیل کرده و غیره).
 - ۷- کمک همه جانبه از طرف قدرت شوراهای در زمینه خودآموزی و شکوفایی بخش کارگران و دهقانان (سازمان دادن کتابخانه ها، مدارس برای بزرگسالان، دانشگاه های خلقی، برنامه های تدریس و سخنرانی، سینماها، استودیوها و غیره).
 - ۸- بسط دادن گسترده ترین تبلیغات برای افکار و آرمانهای کمونیستی.
- حزب کمونیست روسیه، ضمن انکشاف بخشیدن وظایف عام حکومت شوراهای در جزئیات مفصل تر آن، وظایف مذکور را عجالاً بشرح زیر فرمول بندی میکند.

وظایف کنونی قدرت شوراها عبارتند از:

۱- ادامه پیگیرانه و به پایان رساندن خلع ید از بورژوازی و درآوردن وسایل تولید و توزیع به تملک جمهوری شوروی، یعنی مایملک مشترک تمامی مردم زحمتکش - که این کار بطور عمده به اتمام رسیده است.

۲- بذل توجهی مخصوصاً وافر به بسط و تحکیم انضباط رفقیانه میان مردمی که کار میکنند و تربیت ابتکار و احساس مسئولیت آنان در تمام زمینه ها. این اگر تنها وسیله نباشد - مهمترین وسیله فایق آمدن کامل بر سرمایه داری و عاداتی است که از طریق سلطه مالکیت خصوصی بر وسایل تولید شکل گرفته اند. این هدف را میتوان تنها با کاری بطیئی و توأم با پشتکار برای باز آموزی توده ها جامعه عمل پوشاند. یک چنین بازآموزی، اکنون که توده ها دیده اند که ملاک زمیندار، سرمایه دار و تاجر سوداگر حقیقتاً حذف شده اند، نه تنها امکان پذیر گردیده، بلکه به هزاران راه، از طریق تجربه عملی خود کارگران و دهقانان در عمل نیز در حال صورت گرفتن است. در این زمینه، تلاش برای متشکل ساختن باز هم بیشتر زحمتکشان در اتحادیه ها بغایت مهم است. این تشکل قبلاً هرگز در هیچ جای دنیا مانند آنچه که در تحت حاکمیت قدرت شوراها بوقوع پیوسته، چنین سرعت رشد و توسعه نیافته و لازم است که عملاً تا متشکل شدن تمام افراد زحمتکش در اتحادیه هایی که بدرستی تأسیس و تمرکز یافته و منضبط شده باشند توسعه یابد. ما نباید کارمان را به قبول اشکال قدیمی و با سمه ای از جنبش اتحادیه ای محدود کنیم، بلکه لازم است از یک طرف بطور سیستماتیک اتحادیه ها را به ارگان های اداره کننده اقتصاد مبدل سازیم، و هر قدمی را که برمیداریم بدقت در برابر نتایج کار عملی واری کنیم. لازم است پیوندهای بزرگتر و مستحکم تری بین اتحادیه ها و «شورایعالی اقتصادی» و «کمیساریای کار» و بعداً با تمام شعبات دیگر اداره کشور بوجود آید، - و از طرف دیگر اتحادیه ها باید تا درجاتی رفیع تر بصورت ارگان هایی برای نیروی انسانی و آموزش سوسیالیستی توده های زحمتکشان بطور عام در آیند تا تجربه عملی مشارکت در اداره امور تحت کنترل قشر پیشاهنگ کارگران به بخش های عقب مانده تر آنان گسترش یابد.

۳- یکی از وظایف اساسی، بالا بردن سطح قدرت تولیدی نیروی کار است، چه بدون آن انتقال کامل به کمونیسم امکان ناپذیر میگردد. علاوه بر کار طولانی برای آموزش دادن توده ها و ارتقاء سطح فرهنگی آنها، تحقق این هدف مستلزم بکار گرفتن بلافاصله، گسترده و همه شمول آن عده از متخصصان در زمینه های دانش و تکنولوژی است که بعنوان میراث از دوران سرمایه داری برایمان

باقی مانده و علی القاده از جهان بینی و عادات بورژوایی اشباع شده اند. حزب در اتحاد نزدیک با تشکیلات اتحادیه ها باید مشی سابق خود را ادامه دهد - از یک طرف لازم است مختصرترین امتیاز سیاسی برای این بخش بورژوایی جمعیت وجود نداشته باشد و هر نوع تلاشهای ضد انقلابی از ناحیه آن بیرحمانه سرکوب گردد، و از طرف دیگر باید مبارزه ای خستگی ناپذیر بر ضد این عقیده رادیکال نما - ولی در حقیقت جاهلانه و خود بزرگ بینانه که گویا مردم زحمتکش قادرند بدون آموختن از کارشناسان بورژوا، بدون استفاده از خدمات آنان، و بدون گذراندن آموزشی در طی یک دوره طولانی کار کردن در کنار آن کارشناسان، بر سرمایه داری و نظام اجتماعی بورژوایی فایز آیند؛ بعمل آید.

با اینکه هدف نهایی ما تحقق بخشیدن به کمونیسم تمام عیار و دستمزد برابر برای تمام انواع کارهاست، اما نمی توانیم این برابری را بلافاصله و مستقیماً در زمان حاضر، در حالیکه هنوز تنها نخستین قدمهای انتقالی از سرمایه داری به کمونیسم برداشته میشوند به مرحله اجرا در آوریم. بنابراین برای یک دوره زمانی معین باید سیاق کنونی تعیین دستمزد بالاتر برای افراد متخصص را حفظ کنیم، تا از این رهگذر مشوقی به آنان داده باشیم که نه بدتر، بلکه حتی بهتر از آنچه که قبلاً میکردند کار کنند، و ضمن چشم دوختن به همان هدف، نباید سیستم پرداخت پاداش بخاطر موفقیت آمیزترین کارها، به ویژه کار سازمان یافته را طرد نمائیم. پاداشها تحت حاکمیت یک نظام تمام عیار کمونیستی غیر قابل تجویز خواهد بود اما در مرحله انتقال از سرمایه داری به کمونیسم، همچنانکه از تئوری و از یک سال قدرت شوروی نتیجه گیری میشود؛ وجود پاداشها اجتناب ناپذیر است.

ما باید مضافاً به نحوی مجدانه بکوشیم تا متخصصان بورژوا را در فضای رفیقانه ای به محاصره در آوریم که از طریق کار کردن دوشادوش با توده های کارگران عادی و تحت رهبری کمونیستهای برخوردار از آگاهی سیاسی بوجود آمده است. ما نباید از شکستهای غیر قابل اجتناب انفرادی مأیوس شویم، بلکه لازم است بردبارانه بکوشیم تا در افراد واجد معرفت علمی این آگاهی را برانگیزیم که به کار بردن دانش بخاطر ثروت اندوزی شخصی و برای استثمار انسان بوسیله انسان چقدر نفرت انگیز است. ایجاد وجدانی آگاه نسبت به هدف متعالی تر بکار گرفتن علم به نیت شناساندن آن به مردم زحمتکش چیزی است که باید بخاطر آن تلاش کنیم.

۴- بنا کردن کمونیسم بدون شک نیاز به بزرگترین درجات ممکن و اکیدترین وجه مرکزیت نیروی کار انسانی در سطح سراسر ملت دارد و این بدان معنی است که باید بر پراکندگی و عدم وحدت کارگران از نظر حرفه ای و محلی که یکی از سرچشمه های قدرت سرمایه و ضعف نیروی کار بوده است، فایز آمد. نبرد بر ضد تنگ نظری و محدودیتهای نظام صنفی و علیه خودخواهی های آن،

با نبرد برای از میان برداشتن تضادی که شهر و ده را از یکدیگر جدا میکند رابطه نزدیک دارد. این مبارزه دشواریهای بزرگی در بر دارد و نمیتواند بدون آنکه نخست افزایشی قابل ملاحظه در قدرت تولیدی کار خلق حاصل شود و در سطحی گسترده آغاز گردد. بهرحال آغاز این کار، ولو در ابتدا فقط در سطحی کوچک و محلی، و از طریق تجربه اندوزی به قصد مقایسه نتایج تدابیر گوناگونی که در صنوف و در مکان های مختلف اتخاذ گردیده اند، باید بیدرنگ جامعه عمل بیوشد. بسیج تمامی جمعیت برخوردار از سلامت و توانایی جسمانی بوسیله حکومت شوروی همراه با مشارکت اتحادیه های کارگری و بخاطر کارهای معین عمومی باید بمراتب وسیع تر و سیستماتیک تر از آنچه که تاکنون بوده است تجربه و اعمال گردد.

۵- در قلمرو توزیع، وظیفه کنونی قدرت شوروی عبارت از ادامه پیگیری جایگزین کردن تجارت بوسیله توزیع برنامه ای و سازمان یافته کالاها در سطح سراسر کشور است. هدف، سازمان دادن تمامی جمعیت در کمون های تولید کنندگان و مصرف کنندگان است که میتوانند تمام محصولات ضروری و اساسی را به سریعترین وجه، بطور سیستماتیک و مقرون به صرفه از لحاظ اقتصادی و با صرف کمترین هزینه از نظر نیروی کار، توزیع کنند و این مقصود را با متمرکز کردن دقیق و یکپارچه ماشین توزیع برآورده سازند. تعاونی ها برای تحقق بخشیدن به این هدف، وسیله ای انتقالی بشمار میروند. بکار گرفتن آنها، تا وقتی دستگاه تعاونی هایی که از سرمایه داری به ارث برده ایم در دستهای کسانی باشد که طرز فکر و عادات کسب و کارشان بورژوازی است؛ به استفاده از متخصصین بورژوا شباهت دارد. حزب کمونیست روسیه باید به شیوه ای سیستماتیک این سیاست را دنبال کند که کار کردن در تعاونی ها را برای همه اعضای حزب اجباری سازد، و با کمک اتحادیه ها، بنگاه تعاونی را با روحیه ای کمونیستی اداره و رهبری کند، ابتکار و انضباط را در زحمتکشانی که به آن بنگاه ها تعلق دارند توسعه بخشد، بکوشد تا تمام مردم به آنها ملحق شوند، و خود تعاونی ها نیز در کنوپراتیو واحدی که دربرگیرنده سراسر جمهوری شوروی باشد ادغام گردند. بالاخره و از همه مهمتر، نفوذ مسلط پرولتاریا بر باقی مردمی که کار می کنند باید مداوماً حفظ شود و در همه جا متنوع ترین تدابیر، با هدف تسهیل و متحقق ساختن انتقال از تعاونیهای خرده بورژوازی قماش سرمایه داری سابق به کمون های تولید کنندگان و مصرف کنندگان تحت رهبری پرولتاریا و نیمه پرولتاریا، آزمایش و اتخاذ گردد.

۶- لغو و برچیدن پول به یک ضربت در نخستین مرحله انتقال از سرمایه داری به کمونیسم غیرممکن است. درنتیجه، عناصر بورژوازی جمعیت همچنان به استفاده از نقدینه هایی که به خودشان تعلق دارد - همان نقدینه هایی که بوسیله آن، استثمارگران حق تحصیل ثروت عمومی را بدست میآوردند، به نیت احتکار، سفته بازی، سوداندوزی، و غارت کردن مردم زحمتکش - ادامه

میدهند. ملی کردن بانکها بخودی خود برای جنگیدن بر ضد این بقایای غارتگری بورژوایی کفایت نمی کند - حزب کمونیست روسیه تا جایی که ممکن باشد سریعتر تلاش خواهد کرد تا ریشه ای ترین اقدامات را برای هموار کردن راه جهت حذف و محو پول بعمل آورد. اولین و مقدم ترین هدف این تلاش جایگزین کردن پول بوسیله دفترچه های پس انداز بانکی، چکها و برات های کوتاه مدتی خواهد بود که دارندگانش را از حق دریافت جنس از فروشگاه های عمومی و غیره برخوردار خواهد ساخت و اجباری ساختن سپردن پول در بانکها و غیره نیز قسمت دیگری از همان هدف را تشکیل خواهد داد. تجربه عملی در هموار کردن راه برای این تدابیر و اقدامات مشابه و اجرای آنها نشان خواهد داد که کدام دسته از آن تدابیر کارسازتر است.

۷- در قلمرو مالی، حزب کمونیست روسیه نوعی مالیات بر درآمد و بر دارائی درجه بندی شده را در تمام مواردی که اینکار شدنی باشد، وضع خواهد کرد. اما این موارد نخواهد توانست متعدد باشد، زیرا مالکیت خصوصی بر زمین، و اکثر کارخانه ها و سایر مؤسسات لغو شده است. در دوره دیکتاتوری پرولتاریا و مالکیت دولتی وسایل عمده تولید، اساس امور مالی کشور باید بر تخصیص مستقیم بخشی از درآمد انحصارات مختلف دولتی متکی باشد تا نیازهای دولت برآورده شود. درآمد و هزینه تنها در صورتی میتواند متوازن گردد که مبادله کالاها به نحوی درست و بقاعده سازمان یافته باشد. این مقصود با سازمان دادن کمون های تولید کنندگان و مصرف کنندگان و احیا و ترمیم سیستم حمل و نقل که یکی از هدفهای فوری و مهم حکومت شوراهاست، تحقق پیدا خواهد کرد.

در قلمرو کشاورزی

بعد از الغاء مالکیت خصوصی زمین و (تقریباً) مصادره کامل اراضی ملاکین زمیندار و تصویب قانونی در زمینه سوسیالیستی کردن زمین که مرجحاً بر کشت و زرع املاک متعلق به عموم در سطحی گسترده نظر دارد، وظیفه اصلی قدرت شوروی عبارت از این است که کارآمدترین و عملی ترین تدابیر انتقالی را در این زمینه کشف و آزمایش کند.

مشی اصلی و اصل رهبری کننده سیاست زراعی حزب کمونیست روسیه تحت این شرایط هنوز هم عبارت از تلاش برای متکی شدن به عناصر پرولتاریایی و نیمه پرولتاریایی روستاهاست. اینان باید قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز بصورت نیرویی مستقل سازمان داده شوند، باید به پرولتاریای شهری نزدیکتر گردند و از زیر نفوذ بورژوازی روستایی و منافع خرده بورژوایی بدر آیند. تشکیل «کمیته های دهقانان فقیر» گامی در این جهت بوده، و سازمان یافتن سلولهای حزب در

دهات، تجدید انتخاب نمایندگان شوراها برای حذف کولاکها، و تأسیس انواع ویژه اتحادیه ها برای پرولترها و نیمه پرولترهای روستا، همه این تدابیر و اقدامات مشابه باید بدون درنگ و تردید به مرحله اجرا در آید.

تا آنجا که به کولاکها و بورژوازی روستایی مربوط میشود، سیاست حزب کمونیست روسیه عبارت است از مبارزه ای جدی بر ضد تمهیدات آنان برای استثمارگری و سرکوبی مقاومت آنها در برابر سیاست سوسیالیستی شوروی.

تا جایی که به دهقانان میانه حال مربوط میشود، سیاست حزب کمونیست روسیه در قبال وی باید رفتاری احتیاط آمیز باشد. او را نباید با کولاک قاطی و مشتبه ساخت و نباید علیه او اقدامات قهرآمیز بکار برد. دهقان میانه حال، بواسطه موضع طبقاتی خود میتواند در دوران انتقال به کمونیسم متحد حکومت پرولتاریایی باشد، یا دست کم عنصری بیطرف باقی بماند. بنابراین علیرغم کوتاهی های اجتناب ناپذیر و انحرافات نسبی دهقان میانه حال، ما باید پیگیرانه بکوشیم تا با او به توافق برسیم، دو برابر تمام امیال او رفتاری متین و حاکی از علاقمندی نشان دهیم و در گزینش راه های اجرای اصلاحات سوسیالیستی از دادن امتیازات خودداری نوزیم. در این زمینه لازم است جای برجسته ای به مبارزه بر ضد بدرفتاریهای آن دسته از نمایندگان قدرت شوروی که ریاکارانه از عنوان کمونیست بودن سوء استفاده کرده و به اعمال سیاستی پرداخته اند که نه کمونیستی بلکه دیوانسالارانه و تحکم گرایانه است، اختصاص یابد. اشخاصی از این قماش را باید بیرحمانه طرد کرد و کنترل اکیدتری را با کمک اتحادیه ها و وسایل دیگر برقرار نمود.

تا جایی که به اقدامات معطوف بر انتقال به زراعت کمونیستی مربوط میشود حزب کمونیست روسیه ۳ تدبیر عمده را که تاکنون شکل گرفته و از مزارع دولتی، کمون های کشاورزی، و شرکتهای (و تعاونی ها) برای کشت دسته جمعی زمین تشکیل میشوند، در عمل مورد آزمایش قرار خواهد داد. اهتمامی بکار خواهد رفت تا اجرای هر چه گسترده تر و صحیح تر این تدابیر، خصوصاً در مورد راه های توسعه مشارکت داوطلبانه کشاورزان در این اشکال نوین زراعت تعاونی، و متشکل کردن دهقانان زحمتکش برای اعمال کردن کنترل از پائین و تضمین انضباط رفیقانه، تأمین شود.

سیاست حزب کمونیست روسیه در زمینه خواربار، کماکان به تحکیم و توسعه انحصار دولتی التفات دارد، و استفاده از تعاونی ها و پیشه وران خصوصی یا کارکنان مؤسسات بازرگانی، و یا اقتباس یک سیستم پاداشها را نفی نمی کند؛ بشرط آنکه ترتیبات مورد اشاره از جانب قدرت شوروی کنترل شود و به هدف سازمان یافتن بهتر کارها خدمت کند.

امتیازات نسبی که باید هر چند یکبار داده شوند تنها معلول حدت خارق العاده نیاز ما هستند و هرگز چنان معنی نمی دهند که امتناعی از تلاش مجدانه برای متحقق ساختن انحصار دولتی در

کار باشد. تحقق بخشیدن به این هدف در کشوری با مزارع خرده مالکی بسیار دشوار است. این امر به کار طولانی و آزمایش عملی تعدادی از تدابیر انتقالی که از راه های گوناگون به هدف میرسند، نیاز دارد، بعبارت دیگر نیاز به تدابیری دارد که منجر به سازمان یافتن همه جانبه و عملکرد صحیح کمون های تولید کنندگان و مصرف کنندگان میگردد - و این ارگانها تمام مازاد مواد غذایی را به دولت تحویل میدهند.

ضمیمه ای برای بخش سیاسی برنامه

برای اجتناب از صورت گرفتن تعیمی نادرست از نیازهای گذاری تاریخی، حزب کمونیست روسیه باید در عین حال برای مردم زحمتکش توضیح دهد که در جمهوری شوروی محرومیت بخشی از افراد کشور از حقوق متعارف - برخلاف موردی که در اکثر جمهوریهای بورژوا دمکراتیک وجود داشته - بدان معنی نیست که مقوله مشخصی از مردم کشور مادام العمر از آن حقوق محروم شده اند. این وضع تنها شامل استثمارگران، یعنی آنهایی است که با نقض قوانین بنیادی جمهوری سوسیالیستی شوروی در تلاش هایشان برای چسبیدن به هویت استثمارگران خویشتن و حفظ روابط سرمایه داری سماجت بخرج میدهند. نتیجتاً، در جمهوری شوروی، از یک طرف همچنانکه سوسیالیسم روز بروز نیرومندتر میشود و تعداد کسانی که بطور عینی قادرند استثمارگر باقی بمانند یا روابط سرمایه داری را حفظ کنند، کاهش مییابد، از شمار اشخاص محروم از حقوق نیز بخودی خود کاسته خواهد شد. حتی هم اکنون نیز اشخاص محروم از حقوق در روسیه به زحمت دو یا سه درصد از جمعیت را تشکیل میدهند. از طرف دیگر در آینده ای بسیار نزدیک، قطع تجاوز خارجی و تکمیل مصادره اموال استثمارگران، ممکن است تحت شرایط معین، وضعی بوجود آورد که در آن، دولت پرولتاریایی روشهای دیگر برای سرکوبی مقاومت استثمارگران برگزیند و ترتیب رأی گیری نامحدود همگانی را برقرار کند.

تکه ای از بخش سیاسی برنامه

قانون اساسی شوروی برای مردمی که زحمت میکشند فرصتهایی را تضمین میکند که به وجهی قیاس ناپذیر از آنچه که بوسیله دمکراسی بورژوایی و پارلمانتاریسم در زمینه انتخاب و فراخواندن نمایندگان داده شده، وسیع تر است و این به نحوی است که بیشترین سهولت و قابلیت دسترسی را برای کارگران و دهقانان دارد، و در عین حال جنبه های منفی پارلمانتاریسم را هم که از کمون

پاریس به اینطرف مخصوصاً بصورت تفکیک قوای مقننه و مجریه، بیگانگی پارلمان از توده ها، و قس علیهذا خودنمایی کرده اند، حذف میکند.

قانون اساسی شوروی ضمناً با تبدیل واحدهای صنعتی (کارخانه و غیره) - و نه آحاد منطقه ای - به حوزه های انتخابیه و واحد اساسی تقسیمات کشوری، دستگاه دولتی را به توده ها نزدیکتر میکند.

* * *

(سه سطر آخر این قسمت که آخرین پاراگراف آن را تشکیل میدهد بدلیل ناتمام ماندن جمله در متن انگلیسی بوسیله مترجم ترجمه نشده است. م)

بخشی از برنامه دربارهٔ مناسبات ملی

در مسئله ملی، سیاست پرولتاریا که قدرت سیاسی را قبضه کرده، برخلاف اعلام تشریفاتی و بورژوا - دمکراتیک برابری ملتها که تحت حاکمیت امپریالیسم امکان پذیر نیست، - عبارت از این است که نزدیکی و آمیزش حقیقی کارگران و دهقانان همهٔ ملتها را در نبرد انقلابی آنان برای سرنگون کردن بورژوازی جامعهٔ عمل پیوشاند. برای رسیدن به این هدف، ملل مستعمره و ملتهای دیگری که تحت ستم قرار دارند یا حقوقشان محدود شده است، باید بطور کامل آزاد گردند و حق انفصال و خروج از فدراسیون بدانان عطا شود. نکتهٔ اخیر باید همچون ضمانتی باشد تا احساسات به ارث مانده از سرمایه داری - بدگمانی که مردم زحمتکش ملل مختلف و خشمی که کارگران کشورهای تحت ستم نسبت به کارگران ممالک ستمگر احساس میکنند - سراسر زایل شود و جای خود را به اتحادی آگاهانه و داوطلبانه بدهد. کارگران آن کشورهایی که بهنگام سلطهٔ سرمایه داری ملل ستمگر را تشکیل میدادند لازم است توجه مخصوصی مبذول دارند تا احساسات ملی ملل ستم کشیده را جریحه دار نسازند (بعنوان مثال رفتار روسهای بزرگ با اوکرائینی ها و لهستانی ها در قبال یهودیان - رفتار تاتارها با «باشقیرها» و غیره) و باید نه تنها برابری واقعی را ترویج نمایند، بلکه در عین حال از تشویق رشد زبان و ادبیات زحمتکشان مللی که قبلاً تحت ستم قرار داشته اند نیز دریغ نورزند تا تمام آثار بدگمانی و بیگانگی که از دوران سرمایه داری به ارث رسیده است از میان برداشته شود.

ضمیمه برای طرح نهایی برنامه، بخش مربوط به مسئله ملی

درباب این مسئله که چه کسی اراده ملت را در زمینه انفصال ابراز میکند، حزب کمونیست روسیه پای بند نظریه طبقاتی است و سطح رشد تاریخی ملت مورد نظر را - در مسیر حد فاصل میان قرون وسطی تا دموکراسی بورژوایی؛ یا از دموکراسی بورژوایی به دموکراسی شورایی، و غیره - در ملاحظات خود بحساب می‌آورد.....

مقدمه برای بخش نظامی برنامه

وضع امور در قلمرو وظایف نظامی و فعالیتهای نظامی جمهوری شوروی تحت دیکتاتوری پرولتاریا بشرح زیر است.

همانطور که حزب ما از مدتها قبل پیش بینی میکرد، جنگ امپریالیستی نمی توانست حتی با انعقاد ساده یک صلح پایدار بین حکومتهای بورژوایی پایان یابد چه رسد به صلحی عادلانه. این توهم خرده بورژوایی را که نزد دموکراتها، سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها وجود داشت، جریان وقایع بطور کامل بی اعتبار کرده است. جنگ امپریالیستی باید بطور اجتناب ناپذیر دگرگونی مییافت و اکنون در برابر چشمان ما در حال دگرگون شدن بصورت جنگ داخلی زحمتکشان استثمار شده و در رأس آنان پرولتاریا بر ضد استثمارگران و علیه بورژوازی است.

مقاومت استثمارگران، که همزمان با شدت گرفتن یورش عظیم پرولتاریا رشد کرده و مخصوصاً با فتح پرولتاریا در کشورهای منفرد و بوسیله همبستگی و سازمان یافتگی بین المللی بورژوازی شدت یافته است، به ناگزیر باعث درهم آمیختن جنگ داخلی در ممالک منفرد با جنگهای انقلابی میان کشورهای پرولتاریائی و کشورهای بورژوائی که برای حفظ حاکمیت سرمایه نبرد میکنند، میشود. با در نظر گرفتن خصلت طبقاتی این قبیل جنگها، سطح تمایزی که بین جنگ های دفاعی و تعرضی ترسیم کرده اند یکسره بی معنی میشود.

این توسعه جنگ داخلی با ابعاد بین المللی - پروسه ای که از پایان ۱۹۱۸ به این طرف با سرعتی استثنایی در برابر چشمانمان در حال صورت گرفتن بوده - از جمیع جهات حاصل مشروع مبارزه طبقاتی در شرایط حاکمیت سرمایه داری و گامی مشروع بسوی پیروزی انقلاب بین المللی پرولتاریاست.

باین دلیل حزب کمونیست روسیه مؤکداً امید خلع سلاح در شرایط سرمایه داری را بعنوان توهم مرتجعانه و تعبدآمیز دموکراتهای خرده بورژوا - ولو خود را سوسیالیست و سوسیال دموکرات

بنامند - طرد می کند. حزب ما برخلاف این تلقی و برغم تمام شعارهای مشابهی که عملاً بازیچه و دستاویز بورژوازی قرار میگیرند، شعار مسلح شدن پرولتاریا و خلع سلاح بورژوازی، شعار سرکوبی کامل و بیرحمانه مقاومت استشارگران، و شعار جنگیدن تا حصول پیروزی بر بورژوازی سراسر جهان، چه در جنگهای داخلی درون مرزی و چه در جنگهای انقلابی بین المللی را تبلیغ می کند.

تجربه عملی بیش از یک سال فعالیت نظامی و تشکیل یک ارتش انقلابی پرولتاریایی بعد از فرسودگی و خستگی باور نکردنی ناشی از جنگها، در نزد تمامی زحمتکشان، حزب کمونیست روسیه را به نتیجه گیریهای عمده ای که شرح داده شده اند رسانده است.

اولین پاراگراف از بخش مربوط به دادگاه ها در برنامه

در راه رسیدن به کمونیسم از طریق دیکتاتوری پرولتاریا، حزب کمونیست با طرد شعارهای دمکراتیک، در عین حال نهادهای حاکمیت بورژوایی از قبیل دادگاههای قدیمی را بطور کامل منحل میکند و محاکم طبقاتی کارگران و دهقانان را بجای آنها مینشاند. پرولتاریا بعد از آنکه تمام قدرت را بدست خود گرفت، بجای فرمول قدیمی مبهم «انتخاب قضات بوسیله مردم» شعار طبقاتی «انتخاب قضات از بین زحمتکشان و نه بوسیله هیچکس دیگر غیر از زحمتکشان» را قرار میدهد و این شعار را عملاً در سراسر سیستم قضایی به مرحله اجرا در میآورد. در انتخاب قضات از بین کارگران و دهقانان و نه هیچکس دیگر، که نیروی کار دستمزد بگیران را برای تحصیل سود اجیر نمی کنند، حزب کمونیست فرقی در مورد زنان قایل نمی شود بلکه اجازه میدهد که مرد و زن از حقوق کاملاً برابر چه در انتخاب قضات و چه در انجام وظایف قضایی برخوردار باشند. حزب که قوانین حکومتهای سرنگون شده را کان لم یکن ساخته است به قضات انتخاب شده از سوی انتخاب کنندگان شوروی این شعار را می دهد: اراده پرولتاریا را تنفیذ کنید، فرامین او را به مرحله اجرا در آورید، و در جایی که فرمان یا تصویبنامه مناسبی وجود نداشته، یا در صورتیکه مصوبه مورد نظر ناقص باشد، از احساس و قریحه قضات سوسیالیستی خودتان الهام بگیرید و به قوانین حکومتهای سرنگون شده اعتنایی نداشته باشید.

بخشی از برنامه که به تعلیمات عمومی مربوط می شود.

در قلمرو تعلیمات عمومی هدف حزب کمونیست روسیه کامل کردن کاری است که با انقلاب

اکتبر ۱۹۱۷ برای تبدیل مدرسه از افزار سلطه طبقاتی بورژوازی به ابزاری برای برانداختن آن سلطه و برای تکمیل برچیدن بساط تقسیم جامعه به طبقات، آغاز شده است. مدرسه باید به ابزاری برای دیکتاتوری پرولتاریا تبدیل شود، یعنی وسیله محرکی باشد که نه صرفاً برای اصول کلی کمونیسم، بلکه در عین حال برای القاء نفوذ ایدئولوژیکی، سازمانی، و آموزشی پرولتاریا بر بخش های نیمه پرولتری مردم زحمتکش نیز مورد استفاده قرار گیرد و هدف از این کار درهم شکستن کامل مقاومت استثمارگران و بنا کردن سیستم کمونیستی است. وظایف فوری در این زمینه برای زمان حاضر بشرح زیر است.

(۱) - بسط هر چه بیشتر ابتکار کارگران و دهقانان زحمتکش در قلمرو آموزش با کمک همه جانبه دولت شوروی.

(۲) - تضمین سلطه کامل بر نه تنها یک بخش یا اکثریت آموزگاران مدارس - بصورتی که در زمان حاضر وجود دارد - بلکه بر تمام آموزگاران از طریق طرد عناصر ضد انقلاب اصلاح ناپذیر بورژوازی و تأمین انطباق آگاهانه اصول (سیاست) کمونیستی.

(۳) - به اجرا گذاشتن تعلیمات رایگان، اجباری، همگانی و پلی تکنیکی (آشنایی با تمام شعب مهم تولید در تئوری و عمل) برای اطفال پسر و دختر تا سن ۱۶ سالگی.

(۴) - ایجاد نزدیکترین رابطه بین زندگی تحصیلی و نیروی کار اجتماعی مولد کودک.

(۵) - تأمین خوراک، پوشاک، کتب و سایر وسایل تحصیلی برای تمام کودکان مدارس به هزینه دولت.

(۶) - مردم زحمتکش باید به مشارکت فعال در کار آموزش کشانده شوند (توسعه شورای آموزشی همگانی، بسیج افراد تحصیل کرده و غیره).

(۷) - (یا با اضافه کردن به بند ۲) - تضمین نزدیکترین تماسها بین آموزگاران و دستگاه بسیج و تبلیغاتی حزب کمونیست روسیه.

بخشی از برنامه که به مذهب مربوط می شود.

در مورد مذهب، سیاست حزب کمونیست روسیه نباید بصورت فتوای تفکیک کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا - یعنی تدابیر وعده داده شده از طرف بورژوا دمکراتها که معذک بدلیل وجود پیوندهای فراوان و گوناگون میان سرمایه و تبلیغات مذهبی، هرگز بطور کامل در هیچ جای دنیا جامه عمل نپوشیده است - محدود شود.

هدف حزب نابود کردن کامل پیوند میان طبقات استثمارگر و تبلیغات سازمان یافته مذهبی و

آزاد کردن واقعی مردم زحمتکش از بیدادهای مذهبی است. برای این مقصود حزب باید گسترده ترین آموزش های علمی و تبلیغات مذهبی را سازمان دهد. با اینحال لازم است دقت شود تا از جریحه دار کردن احساسات مذهبی کسانی که آن را باور دارند پرهیز گردد چه این امر تنها به افزایش تعصب و خرافه پرستی مذهبی خدمت خواهد کرد.